آینه

اعتماد

نه به «تبعیض» و «تحقیر»

● **عباس عبدی:** تحقیر و تبعیض دو عامل ویرانگر جامعه و ثبات آن هستند. هنگامی که دوم خرداد به‌عنوان یک حرکت نوین اجتماعی ظاهر شد، آن را در یادداشتی به نام «انقلاب علیه تحقیر» معرفی و تحلیل کردم. تحقیر علیه نخبگان، مردم و دانشگاهیان چنان شده بود که مردم را به واکنش آن‌گونه ترغیب کرد... نمونه‌های تحقیر را باید در هر عرصه‌ای از میان برد. بردن افراد با دستبند و لباس زندان به دادگاه که هدفی جز تحقیر او ندارد، اولین اثرش نفی اعتبار بی‌طرفی ترازوی عدالت است... تبعیض موجب عقب‌افتادن و درنهایت ورشکستگی شرکت می‌شود. این نکته‌ای بود که نلسون ماندلا نیز به بهترین وجهی آن را درک و در عمل پیاده کرد. او به روشنی می‌گوید که «من این نکته را بهتر از هر چیز دیگری می‌دانستم که درست همان‌گونه که ستمدیدگان باید آزاد شوند، ظالمان نیز باید آزاد گردند. مردی که آزادی مرد دیگری را می‌گیرد خودش اسیر تنفر بوده و در پشت میله‌های تعصب و کوراندیشی گرفتار است».

دنیای اقتصاد

پرش از سه تله ابرتورمی

● امیررضا کرمانی، استاد اقتصاد دانشگاه برکلی، سه تله وقوع ابرتورم در اقتصاد را تشریح کرد. تله نخست، افزایش سرعت اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در زمان نوسانات بازار دارایی است که موجب فشار بر پایه پولی خواهد شد. دراین‌خصوص سیاست‌گذار از یک‌سو باید از طریق مکانیسم‌های بازاری و غیربازاری هزینه اضافه‌برداشت را افزایش دهد و از سوی دیگر به بازار بین بانکی رونق بخشد. تله دوم، رفتار برخی بازیگران نظام بانکی و مالی است که جزء بزرگ‌ترین سوداگران بازار دارایی نیز محسوب می‌شوند و در نتیجه توانایی ایجاد تلاطم در بازارها را نیز دارند. در این شرایط سیاست‌گذار باید بر هر نهاد مالی به تناسب وضعیت سلامت آن، محدودیت‌های ترازنامه‌ای اعمال کند. در کنار این موضوع، شناسنامه‌دارکردن سپرده‌های بانکی در یک سامانه مرکزی، حذف بازیگران بد و کنترل فعالیت‌های سوداگرانه از طریق تصویب قوانین مربوط به پول‌شویی از دیگر اقدامات عبور از تله دوم است. تله سومی که می‌تواند اقتصاد ایران را وارد فاز ابرتورم کند، این است که دولت در مواجهه با فاز اول تورم، تلاش کند هزینه‌های دولت و حقوق و دستمزدها را به میزان این افزایش سطوح قیمتی تنظیم کند؛ رفتاری که باعث ایجاد کسری بودجه و نهایتا فشار غیرمستقیم بر منابع بانک مرکزی خواهد شد. اصلاح نظام بودجه‌ریزی به‌عنوان مسیر عبور از تله سوم مطرح شده است.

کیهان

بدترین و بهترین گزینه دولت

● **جعفر بلوری:** آیا هدف این استیضاح واقعا کمک به بهبود شرایط اقتصادی بود یا مورد ایشان هم مثل مورد آقای علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به اصطلاح «سیاسی» بود؟ جابه‌جایی یک مدیر برای بهبود شرایط، زمانی جواب می‌دهد که ایراد از مدیر باشد... دولت و مجلس اگر تمام وزرا را هم تغییر دهند و متخصص‌ترین کارشناسان را جایگزین آنها کنند، مادامی که نقشه راه غلط و همانی باشد که در پنج سال گذشته بوده، به نقطه ایده‌آل نخواهیم رسید و آش همان آش خواهد بود و کاسه همان کاسه.... نقشه راه دولت تاکنون غالبا، نگاه به بیرون بوده است. نگاه به غرب. اینکه کشوری در حوزه‌ای مثل اقتصاد، نگاهش به کشورهای دیگر باشد، به تنهایی شاید ایرادی نداشته باشد. اما ایراد زمانی پیدا می‌شود که دولت، تمام چشم امیدش به دست و حرکت چند کشور بدنام و بدعهد باشد؛ درحالی‌که از استعدادها و ظرفیت‌های عظیم داخلی بر زمین مانده... وضعیتی که امروز در آن قرار داریم (منظور اقتصادی است) حاصل همین نگاه غلط است... دولت با اعتماد به حرف‌ها و وعده‌های حریف، تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد برجام گذاشته بود. نقشه جایگزین-plan B- هم که نداشت... قوه قضائیه کار خود را با محاکمه مفسدان ریز و درشت خوب شروع کرده است. دولت هم می‌تواند کارشناسان اقتصادی، صاحب‌نظران و منتقدان این حوزه را که تا همین یکی، دو سال پیش از حامیان پر و پا قرص دولت بودند! فرا بخواند. از آنها راه‌حل بخواهد. قطعا تغییر ریل در کنار کمک کارشناسان اقتصادی و تغییر و تحول در کابینه و قطع امید از بیگانه اوضاع را بهتر خواهد کرد. این بهترین گزینه برای دولت است.

اطلاعات

حمایت مجدد

● **مسعود رضوی:** امروز علاوه بر لزوم حفظ نظام باید به مسائل دیگر هم اندیشید. ملت بزرگ ایران ممکن است دچار تخریب‌هایی شوند که بعضا جبران‌ناپذیر است. ازجمله این که ایرانِ عزیز و تمامیت ارضی و هویت ملی و تاریخی و فرهنگی و مناسبات انسانی و اخلاقی، دستخوش زخم‌های هولناک قرار گیرد. تعارف را کنار بگذاریم؛ به زبان روشن‌تر، اگر اکنون مشکلات بزرگ و غده‌های چرکین با تصمیمات شجاعانه و جراحی‌های بزرگ قابل علاج است، ای بسا که در شرایط متفاوت از حال، این امکان وجود نداشته باشد.

politics@sharghdaily.ir

واکاوی رژیم حقوقی در نشست «خانه اندیشمندان علوم انسانی»

پرسش‌های بی‌پاسخ خزر

عکس: احمد جالایی، ایرنا

شرق: حالا صحنه عوض شده است. موضوع هسته‌ای در میان نیست که تیم مذاکره‌کننده یک‌سو نشسته باشند و دلواپس‌ها، سوی دیگر میز و مدعی برباددادن دستاوردهای هسته‌ای. حالا صحنه بر پهنه آبی خزر چیده شده است. در یک‌سو ملی‌گرایانی نشسته‌اند با آن‌میزان غلظت که «پان‌ایرانی» لقب می‌گیرند و سوی دیگر ملی‌گرایانی که فعلا فقط به ابراز نگرانی درباره سهم ایران از خزر می‌پردازند. اما این میز چندضلعی، سوهای دیگری هم دارد؛ آن‌سو کسانی نشسته‌اند که معتقدند هر آنچه جمهوری اسلامی انجام می‌دهد، غلط است و همه‌چیز در حال ازدست‌رفتن است.

حالا کنوانسیون خزر روی چنین میزی مانده است. منتقدان با صدای بلند مخالفت می‌کنند و مدافعان با لکنت و اشرافی نه چندان زیاد به موضوع حرف می‌زنند. عصر یکشنبه خانه اندیشمندان علوم انسانی محل یکی از این نزاع‌های پرحاشیه درباره خزر و کنوانسیون جدید آن بود.

نشستی با حضور مجید صابر، رئیس پیشین دبیرخانه دریای خزر؛ منوچهر متکی، وزیر خارجه دولت محمود احمدی‌نژاد؛ سعید ملک‌زاده، پژوهشگر حوزه خزر و استراتژیست و الهه کولایی، استاد دانشگاه تهران.

نشست درباره مباحث مربوط به سهم، معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و آنچه از این دو معاهده به عنوان سهم دو کشور ایران و روسیه استیفاد می‌شود، موضوع انرژی و... حتی به درگیری لفظی بین حضار و سخنران‌ها رسید. میهمانانی که تراکت «۵۰درصد سهم ایران از خزر» به دست گرفته بودند و برخی کراوات‌زده و مدعی بودند که خزر را به شریک شمالی و کشورهای کوچک هم‌پیمانش (تعبیر آنها از جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان) داده‌اند و رفته است. موضوع خط مبدأ و تحدید حدود بستر و زیربستر که در این کنوانسیون به آن پرداخته نشده است هم جزء موضوعات اختلاف در این نشست بود. مجید صابر که سال‌ها عضو تیم مذاکره‌کننده خزر بوده، قرار بود در این نشست نقش مدافع کنوانسیون را انجام دهد که یک ساعت و ربع بعد از نشست، جلسه را برای حضور در نشستی دیگر ترک کرد و حضار او را به فرار از پاسخ‌گویی متهم کردند. سؤالات بسیاری درباره متن کنوانسیون بر زمین ماند و دیگران به ادامه انتقادهایشان پرداختند. سعید ملک‌زاده گویی نماینده پان‌ایرانیست‌ها در جلسه بود که با سخنان غرا، از سوی آنها تشویق می‌شد. منوچهر متکی معتقد بود که کنوانسیون نتیجه تلاش سال‌های دیپلمات‌های وزارت خارجه است و حتی می‌توانند تا ۲۰ درصد از خزر سهم بگیرند و الهه کولایی، با نگاهی به آنچه در سال‌های اصلاحات و دولت احمدی‌نژاد و دولت اعتدال‌گرای روحانی در کنوانسیون خزر گذشته است، نتیجه‌گیری کرد که امضای این کنوانسیون در نتیجه توازن قوا و نظم فعلی جهانی است که تحریم ظالمانه علیه ایران وضع می‌شود پس ایران در موضع ضعف توافقی ضعیف امضا می‌کند. اما مجید صابر جدی‌ترین مخالف این سخن الهه کولایی بود.

داشته و نداشته‌ها در کنوانسیون

مجید صابر در این نشست توضیح داد که این کنوانسیون محصول سال‌ها مذاکره است، موضوع دریای خزر فقط تحدید حدود نیست؛ این دریا شامل موضوعاتی چون شیلات، دریانوردی، اقتصاد، مسائل امنیتی و نظامی، معیشت مردم و... است. کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، محصول مشترک پنج کشور ساحلی دریای خزر است. در واقع دریای خزر شامل ۱۴ موضوع مهم است، ولی در طول این سال‌ها به واسطه موضوع تحدید حدود و تعیین خط مبدأ، این مسائل فراموش شده بود. بعد از مدتی پنج کشور ساحلی خزر تصمیم گرفتند کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر را به امضا برسانند و بعد از آن مذاکرات جداگانه‌ای را برای تعیین تحدید حدود و خط مبدأ انجام دهند.صابر با بیان اینکه این کنوانسیون مانع از ایجاد تنش در منطقه خزر می‌شود، ادامه داد: در واقع تلاش بر این است که به‌واسطه این کنوانسیون بحران‌هایی که اکنون در خلیج فارس با آن روبه‌رو هستیم، در دریای خزر دیگر تکرار نشود. او تأکید کرد: این کنوانسیون با یک‌سری داشته‌ها و نداشته‌ها به امضا رسید.

رئیس پیشین دبیرخانه دریای خزر در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ درخصوص موضوع خزر بین ایران و شوروی سابق گفت: در این معاهدات صحبتی از درصد نشده و نه به موضوع ۵۰ درصد و نه به موضوع ۳۰ درصد اشاره شده است و در هیچ کجای این دو موافقت‌نامه واژه مشاع به کار گرفته نشده است.

او با بیان اینکه در این توافق‌نامه‌ها فقط بر موضوع دریانوردی آزاد بر اساس موضوع بالسویه اشاره شده است، ادامه داد: در واقع در این معاهدات بر موضوع کشتی‌رانی بر اساس این حق اشاره شده است و این شامل سایر موضوعات مرتبط با دریای خزر نیست و ما در واقع از معاهدات ۱۹۲۱ نمی‌توانیم استنباط کنیم که در همه‌چیز این دریا بر اساس آن معاهده به صورت بالسویه حقوقی داشته‌ایم. او با اشاره به برخی ادعاها مبنی بر اینکه سهم ایران از دریای خزر حدود ۵۰ درصد است و با بیان اینکه این ادعا مسئله جدیدی نیست، گفت: این افراد تاکتیک را با موضوع استراتژیک درخصوص دریای خزر اشتباه گرفته‌اند. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره کردم در هیچ سندی مربوط به موضوع دریای خزر به این اشاره نشده که سهم ایران از این دریا ۵۰ درصد است.

این دیپلمات که در مذاکرات تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر حضور داشته است، تأکید کرد: به اعتقاد ما این کنوانسیون منافع ایران را تأمین می‌کند. در این کنوانسیون دریای خزر به عنوان دریاچه قلمداد شده است، البته ما از حقوق دریاها برای تدوین این کنوانسیون استفاده کرده‌ایم و الگوهایی را متناسب با اصولی که مدنظرمان بود، گرفته‌ایم.

دردسر خط مبدأ

صابر با بیان اینکه «در اکثر نقاط، تعیین خط مبدأ یک اقدام یکجانبه است، ولی ما در کنوانسیون رژیم حقوقی خزر تأکید کرده‌ایم که تعیین خط مبدأ باید با موافقت پنج کشور ساحلی دریای خزر صورت بگیرد و آن را یک اقدام پنج‌جانبه قلمداد کرده‌ایم»، افزود: متأسفانه شکل سواحل ما در دریای خزر شکل مناسبی نیست و بر اساس همین موضوع در کنوانسیون تأکید کرده‌ایم که در تعیین خط مبدأ، به این موضوع توجه شود و این مسئله مدنظر قرار داده شود.

رئیس پیشین دبیرخانه دریای خزر در ادامه سخنان خود در پاسخ به صحبت‌های الهه کولایی، استاد دانشگاه تهران که به‌عنوان منتقد این کنوانسیون در این جلسه حضور پیدا کرده بود و مدعی بود که کنوانسیون خزر در شرایط سیاسی نامناسب ایران تدوین و به امضا رسیده است، گفت: این کنوانسیون محصول ۱۵ سال مذاکره است و بخش اعظمی از آن در زمان مسئولیت آقای دکتر صفری {مذاکره‌کننده دوره اصلاحات و احمدی‌نژاد} به اتمام رسیده بود. فقط در مورد سه چهار موضوع، پنج کشور اختلاف داشتند که در شش، هفت سال گذشته در ارتباط با آن بحث و گفت‌وگو کردند. ولی همان‌طور که گفتم، بخش اعظمی از این کنوانسیون در زمان آقای صفری نهایی شده بود. ایشان چهار سال در زمان آقای خاتمی و هشت سال در دولت بعدی مسئولیت مذاکرات مربوط به خزر را برعهده داشتند و بعد از ایشان افراد دیگری این موضوع را به پیش بردند. صابر با تأکید بر اینکه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر ماحصل تحریم نیست و تدوین آن دو سال پیش به اتمام رسیده بود و در دو سال گذشته کشورهای ساحلی خزر مشغول بررسی این کنوانسیون در داخل کشورهایشان بودند و درباره مسائل جزئی این کنوانسیون با یکدیگر رایزنی و گفت‌وگو می‌کردند، گفت: تدوین این کنوانسیون و روند آن به موضوع ترامپ، تحریم‌ها و مناسبات جهانی ربطی ندارد و قبل از این مسائل این کنوانسیون تدوین شده بود. او با بیان اینکه در داخل کشور نیز درباره این کنوانسیون در شورای عالی امنیت ملی کشور و کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس بحث و گفت‌وگو شده و با حقوق‌دانان نیز در این ارتباط رایزنی‌هایی انجام شده است، تأکید کرد: همان‌طور که گفتم این کنوانسیون ربطی به مناسبات جدید جهانی ندارد.

صابر همچنین با انتقاد از صحبت الهه کولایی که گفت این کنوانسیون حقوقی نیست بلکه سیاسی است، ادامه داد: در این کنوانسیون مناسبات زور در نظر گرفته نشده است و ما اگر در اوج ضعف بودیم، قطعا در مذاکرات ذره‌ای از حقوق حاکمیتی و مرزی کشور کوتاه نمی‌آمدیم.

معاهدات قبلی را بخوانید

این دیپلمات از شرکت‌کنندگان در این جلسه که بعضا در میان صحبت‌های او به کنوانسیون انتقاد وارد می‌کردند و اعتراضات خود را درباره این کنوانسیون مطرح می‌کردند، گفت: من از شما می‌خواهم دو معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را بخوانید. معاهده ۱۹۴۰ یک معاهده تیپ بود و شوروی چنین معاهده‌ای را نه‌تنها با ایران بلکه با دیگر کشورهای اطراف خود به تصویب رسانده بود.

او با اشاره به فصول ۵، ۶ و ۷ این معاهده گفت: در معاهده ۱۹۴۰ شوروی کلی امتیاز از ما گرفته بود و ما تلاش کردیم که در تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر موارد منفی دو معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را حذف کنیم. ما معتقدیم معاهده ۱۹۴۰ یکجانبه به نفع روسیه بود.

فقط سهم روسیه و قزاقستان از بستر و زیربستر دریای خزر مشخص است که سهم آنها در مجموع حدود ۴۶ درصد است. سهم ایران، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان هنوز مشخص نشده است و این در گرو توافق مشترک سه کشور است

خزروانرژی

او همچنین در این نشست در پاسخ به سؤالی در ارتباط با بحث برداشت از منابع زیرزمینی دریای خزر و حق ایران در این ارتباط خاطرنشان کرد: منابع زیرزمینی جزء حقوق حاکمه ما است. او با بیان اینکه ما سهم ۲۰ درصد را از دریای خزر برای ایران در نظر گرفته‌ایم و مختصات جغرافیای آن را به دیگر کشورها اعلام کرده‌ایم، گفت: بر این اساس هیچ کشوری نمی‌تواند از سهم ایران بهره‌برداری کند. این ۲۰ درصد مختصات جغرافیایی آن مشخص شده و تا زمانی که تحدید حدود نشود، ما اجازه نمی‌دهیم که برداشتی از این منابع صورت بگیرد.

او با بیان اینکه ساختار منابع خزر مشخص است و معلوم است کدام بلوک‌ها اختصاصی است و کدام بلوک‌ها روی خط، ادامه داد: ما اجازه نداده‌ایم که از منابع انرژی‌مان در این منطقه بهره‌برداری شود و حتی حق اکتشاف نیز داده نشده است. در حوزه‌های مشترک نیز چنین اجازه‌هایی داده نشده است. فقط در بحث حوزه البرز ایران و جمهوری آذربایجان توافق کرده‌اند که به‌صورت مشاع بهره‌برداری‌هایی را انجام دهند.

صابر با تأکید بر اینکه در بحث تعیین تحدید حدود برخی از کشورها تأکید داشتند که باید ملاک این موضوع خط میانی باشد و ما آن را قبول نکردیم، ادامه داد: همان‌طور که پیش از این اشاره کرده‌ایم، فقط سهم روسیه و قزاقستان از بستر و زیربستر دریای خزر مشخص است که سهم آنها در مجموع حدود ۴۶ درصد است. سهم ایران، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان هنوز مشخص نشده است و این در گرو توافق مشترک سه کشور است.

نهاد منطقه‌ای جهت هماهنگی و بهره‌برداری از منابع خزر

اما سعید ملک‌زاده، منتقد حرف‌های صابر بود. مباحث او درباره اینکه سهمی در معاهدات دوران قبل وجود نداشته، یکی از اصلی‌ترین محورهای انتقاد بود. این پژوهشگر حوزه دریای خزر پیشنهاد کرد که نهاد منطقه‌ای جهت هماهنگی، سیاست‌گذاری و بهره‌برداری مشاع و مشترک از منابع دریای خزر تشکیل شود. سعید ملک‌زاده، پژوهشگر ارشد حوزه دریای خزر در سخنانی در نشست واکاوی رژیم حقوقی دریای خزر با بیان ایراداتی به این کنوانسیون اظهار کرد: برابر اعلام مقامات وزارت خارجه و صراحت ماده یک کنوانسیون، روش تعیین خطوط مبدأ مستقیم باید در زمان جداگانه‌ای بررسی شود. این در حالی است که آب‌های داخلی و پهنه دریایی کشور به چهار مورد موکول شده است؛ اگرچه ممکن است تعیین مبدأ سال‌های درازی طول بکشد. اگر تعیین خط مبدأ به بعد موکول شده، باید به این سؤال پاسخ داده شود که در ۲۱ سال چه کاری انجام شده است و چه لزومی داشت که اکنون چنین کنوانسیونی را امضا کنیم که بعدا بگوییم خط مبدأ را بعد مشخص می‌کنیم. این پژوهشگر حوزه دریای خزر همچنین بیان کرد: اشکال دیگر به این کنوانسیون نبود ضمانت اجرای مؤثر آن است. موارد زیادی درباره مسائل دفاعی و امنیتی وجود دارد. ازجمله در اختیار قراردادن قلمرو از سوی هر یک از طرفین که ضمانت اجرائی آن هم معلوم نیست. براساس این کنوانسیون تمام قراردادهای گذشته یعنی همان قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و ضمائم و اسناد آن نسخ می‌شود و در نتیجه رژیم حقوقی موجود که ایران حقوق مساوی، مشترک و مشاع در تمامی منابع و حقوق متصوره اعم از سطح دریاچه و بستر و زیربستر آن را دارد از بین می‌برد. ملک‌زاده پیشنهاد داد: باید نهاد منطقه‌ای برای هماهنگی، سیاست‌گذاری و بهره‌برداری مشاع و مشترک از منابع دریای خزر ۵۰ درصد برای ایران و ۵۰ درصد برای جمهوری‌های قائم‌مقام شوروی سابق تشکیل شود. او در ادامه اظهار کرد: بعد از امضای این کنوانسیون وزارت خارجه اعلامیه صادر می‌کند که مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ یادآوری و خاطرنشان می‌شود، بنده متوجه نمی‌شوم که بار حقوقی عبارت «یادآوری و خاطرنشان می‌شود» چه معنایی دارد. درحالی‌که قرارداد ۱۹۲۱ در اواخر سلسله قاجاریه آن هم در زمانی که پهلوی تشکیل نشده بود، به امضا رسیده است. برای به‌نتیجه‌رساندن این قرارداد چه خون دل‌ها که نخورده‌اند. امیدوارم که نمایندگان مجلس کنوانسیونی را که به‌تازگی به تصویب رسیده، رد کنند.

متکی: ۲۰ درصد شدنی است

منوچهر متکی، وزیر خارجه اسبق کشور، تأکید کرد: داشتن سهم مناسب از خزر از برنامه‌های ایران و تعیین محدوده‌های بهره‌برداری از اهدافی است که دنبال می‌کنیم.

منوچهر متکی در این نشست گفت: در پروژه‌های ملی کشورمان اگر نتوانیم در اجماع ملی حرکت کنیم، موفق نخواهیم بود و هر جایی که پروژه‌های ما ملی انجام شده، نباخته‌ایم؛ چه در گذشته‌های دور و چه در ۴۰ سال گذشته. معتقدم به انتقادها باید احترام بگذاریم؛ اما حاصل این نقدها و نظرات در جایی که به یک تصمیم برآمده از نظام مردم‌سالار منجر می‌شود، این حق را داریم که دفاع ما اجماع ملی باشد.

او در ادامه با طرح سؤالاتی اظهار کرد: باید بررسی کنیم که حقوق ایران در خزر در گذشته چگونه بوده است. باید معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را با گلستان و ترکمانچای بررسی و مقایسه کنیم. آنچه برای این خط موهوم نقل شده، نقل به وضعیتی است که تا پیروزی انقلاب حاکم بود. در سال ۱۹۷۴ وزارت نفت شوروی محدوده فعالیت‌های نفتی سه جمهوری قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان را بین خود تقسیم می‌کند و در زمان فروپاشی شوروی ادبیات آنها این است که شما چرا در منطقه بالای خزر دخالت می‌کنید. خط موهوم به پایین برای شماست و بقیه مربوط به ما چهار جمهوری است. سؤال دیگر این است که ایران در زمان فروپاشی شوروی و تبدیل به کشورهای ساحلی چه هدفی را در خزر دنبال می‌کرد. بنده به‌عنوان کسی که عضو وزارت خارجه بوده و در این سال‌ها در جریان و درگیر مباحث مربوطه بودم، باید بگویم که اولین هدف حذف عملی و تدریجی محدودیت‌های تحمیلی و زمینه‌سازی برای تعریف حقوق ما در خزر بود. سؤال دیگر این است که جمهوری اسلامی ایران به کجا می‌خواهد برود. داشتن سهم مناسبی از خزر و تعیین محدوده‌های بهره‌برداری از اهدافی است که دنبال می‌کنیم و ما با مقوله انصاف می‌توانیم به سهم ۲۰ درصد برسیم و طرف‌ها باید انصاف را مدنظر قرار بدهند.

کولایی: ارتباط مستقیم با موازنه قدرت

مدیر مرکز اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران تأکید کرد: رژیم دریای خزر در واقع تعیین تکالیف و وظایف کشورهای ساحلی این دریاچه است که ماهیتا یک مسئله سیاسی بوده و ارتباط مستقیمی با موازنه قدرت دارد. الهه کولایی در این نشست اظهار کرد: نگاهی به پیمان‌ها و قراردادها نشان‌دهنده سیطره کامل قدرت در روابط کشورهای ساحلی در طول تاریخ است. این کنوانسیون در شرایطی امضا شده که سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه و قدرت‌مآبانه ترامپ علیه ایران شکل می‌گیرد و اینها نکاتی است که باید به آن توجه داشته باشیم. او ادامه داد: کاش آقای صفری، مذاکره‌کننده ارشد ایران، در دوران اصلاحات اینجا بودند و درباره سهم ۱۸ یا ۱۹درصدی توضیح می‌دادند. اکنون رسیده‌ایم به توافقی که ادعا می‌کنند سهم ایران را مسکوت گذاشته‌اند. کولایی همچنین تصریح کرد: از سال ۲۰۱۴ این کنوانسیون در حال شکل‌گیری بود؛ اما قابلیت امضا نداشت. در سال ۹۳ که دولت اعتدال کار خود را آغاز کرده بود و در مسیر توافق برجام قرار داشتیم، این موضوع پیگیری شد و در چنین فضایی امکان امضای کنوانسیون وجود نداشت؛ اما شاهد هستیم در شرایطی که ترامپ ایران را تهدید به تحریم‌ها می‌کند، کشورهای منطقه این کنوانسیون را امضا می‌کنند. او با اشاره به نشست سران کشورهای ساحلی خزر گفت: در نشست‌هایی که پیش‌ازاین برگزار شده بود، شاهد بودیم که آقای خاتمی در برابر زیاده‌خواهی‌ها ایستاد و تیم مذاکره‌کننده ایرانی حاضر نشد حتی یک جمله بنویسد؛ آن هم در شرایطی که جورج بوش پسر ایران را محور شرارت خوانده بود. مدیر مرکز اوراسیای دانشگاه تهران همچنین اظهار کرد: باید در نظر داشته باشیم در سال ۱۹۹۴ زمانی که باکو قرارداد نفتی خود را امضا کرد، دولت روسیه متوجه این مسئله شد و نه‌فقط به دولت باکو و سفارت انگلیس در آن کشور؛ بلکه به دفتر شرکت نفتی انگلیس یادداشت اعتراضی داد که حق ندارید یک‌جانبه نفت خزر را استخراج کنید. او همچنین یادآور شد: قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به معنای این نیست که دولت شوروی به حقوق ملت ایران و تعهداتش تن داده است. باید بدانیم که واقعیت قدرت در نظام بین‌الملل ضرورتا در توافق‌های حقوقی تحقق پیدا نمی‌کند. او با بیان اینکه اگر ایرادی به کنوانسیون خزر داریم، باید بحث‌مان را در چارچوب حفظ کنیم، گفت: دولت روسیه زمانی که متوجه شد باکو از دریای خزر نفت بهره‌برداری می‌کند و نتوانست جلوی اقدامات آنها را بگیرد، به سمت پیمان‌های دوجانبه و سه‌جانبه رفت تا بتواند سهم خود را حفظ کند. امروز بحث روسیه و امتیازدادن به آن مطرح نیست. او خاطرنشان کرد: باکو، آستانه و ترکمنستان با وجود اینکه به منابع انرژی در خزر دسترسی دارند؛ اما هر سه محصور در خشکی هستند. باید ببینیم که چرا یک خط لوله از ایران عبور نکرده؛ زیرا سیاست آمریکا انزوای ایران است و نمی‌توانیم رژیم حقوقی دریای خزر را از ژئوپلیتیک ایران جدا کنیم.

نگاه

پیام‌های بسته مالی توسعه‌ای اتحادیه اروپا

یاسر نورعلی‌وند . کارشناس مسائل اروپا

● کمیسیون اروپا یکم شهریور بسته مالی ۱۸ میلیون یورویی را برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای در ایران تصویب کرد. بسیاری از ناظران، اعطای این بسته مالی را به حمایت‌های اتحادیه اروپا از برجام نسبت دادند، اما در واقع این بسته هیچ ارتباطی به برجام و اقدامات اروپا برای حفظ آن ندارد. این بسته در چارچوب سیاست توسعه اتحادیه اروپا و در نتیجه توافق‌های سال‌های اخیر ایران و اتحادیه اروپا به ایران اختصاص یافته است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعطای کمک‌های مالی و توسعه‌ای به کشورهای ثالث در قالب سیاست توسعه‌ای این اتحادیه است. سیاست توسعه اتحادیه اروپا به‌دنبال توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه با هدف اصلی ریشه‌کن‌کردن فقر و توسعه اجتماعی و اقتصادی آنان است. براساس این سیاست، کمک‌های اتحادیه اروپا در دو حوزه و اولویت کلی متمرکز است: نخست، حقوق بشر، دموکراسی و سایر جنبه‌های حکمرانی خوب و دوم، کمک به پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کشورهای در حال توسعه. این اتحادیه همچنین متعهد شده است که حداقل ۰٫۷درصد از درآمد ناخالص سالانه خود را به کمک‌های توسعه‌ای اختصاص دهد. اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن متعهد شده‌اند که بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۰، به‌طور متوسط سالانه دو میلیارد یورو کمک‌های مالی به کشورهای در حال توسعه ارائه دهند.بنابراین، بسته مالی اتحادیه اروپا در چارچوب سیاست توسعه‌ای این اتحادیه و در واقع بخشی از نتایج همکاری و تعامل جدید بین اتحادیه اروپا و ایران پس از برجام است. پس از برجام توافق‌های همکاری زیادی بین ایران و اروپا منعقد شد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به سفر هیئت بلندپایه اتحادیه اروپا شامل فدریکا موگرینی و هفت کمیسیونر اروپایی در ۱۶ آوریل ۲۰۱۶ به تهران اشاره کرد که به توافق‌هایی در بخش‌های مختلف از جمله همکاری‌های اقتصادی، حمل‌ونقل و انرژی، آموزش‌وپرورش و فرهنگ و چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، مواد مخدر، مهاجرت و جریان‌های پناهندگان منجر شد.علاوه بر این، پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۶ سند راهبرد همکاری با ایران را با عنوان «نقشه راه، عادی‌سازی روابط اتحادیه اروپا با ایران در دوران پس از برجام» به تصویب رساند که در قالب آن بر گسترش مناسبات و روابط اقتصادی، تجاری و انرژی همچنین حوزه‌های عمومی‌تری مانند مهاجرت و پناه‌جویی و محیط زیست تأکید شده. در این سند راهبردی علاوه بر حوزه‌های تجاری و اقتصادی بر افزایش همکاری‌ها میان اتحادیه اروپا و ایران در حوزه زیست‌محیطی نیز تأکید شده. مدیریت مصرف آب، مقابله با بلایای طبیعی همچون زلزله، آلودگی هوا و مدیریت بازیافت زباله‌ها از جمله حوزه‌های مورد اشاره همکاری در این سند هستند.کمک مالی ۱۸ میلیون یورویی اتحادیه اروپا که بخشی از بسته بزرگ‌تر ۵۰ میلیون یورویی است، رقم قابل توجهی نیست. با این حال، ارزش دیپلماتیک این بسته مالی توسعه‌ای بسیار بیشتر از ارزش پولی آن است. این موضوع به سبب شرایط سیاسی و اقتصادی است که ایران پس از خروج آمریکا از برجام در آن قرار دارد. در شرایطی که آمریکا از برجام خارج شده و در حال بازگرداندن تحریم‌ها و تنگ‌ترکردن حلقه فشار سیاسی اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران است، ارائه چنین بسته‌ای صرف‌نظر از رقم آن، از سوی نزدیک‌ترین متحد آمریکا به ایران دور از انتظار، کم‌سابقه و قابل‌تأمل است و پیام‌های زیر را به جامعه بین‌المللی صادر می‌کند:

۱.عزم اروپا برای تداوم و توسعه روابط با ایران: بسیاری از ناظران و تحلیلگران پیش و پس از خروج آمریکا از برجام معتقد بودند اروپا چاره‌ای جز تبعیت از آمریکا در کنارگذاردن برجام، اعمال تحریم علیه ایران و در نهایت قطع ارتباط با ایران ندارد. بااین‌حال اروپا نه‌تنها به حمایت قاطع سیاسی از برجام پرداخت، بلکه با به‌روزرسانی قانون مسدودسازی علیه تحریم‌های آمریکا، مخالفت عملی خود را با اقدام یک‌جانبه آن نشان داد. تصویب ارائه بسته توسعه‌ای به ایران آن‌هم در شرایطی که به‌واسطه طولانی‌شدن ارائه بسته حمایتی از برجام تردیدها درباره عزم عملی اروپا برای حفظ برجام قوت گرفته، نشان از آن دارد که این اتحادیه بر اراده خود درباره تداوم و توسعه روابط خود با ایران استوار است و تصمیم ندارد تابع سیاست‌های آمریکا در قبال ایران باشد. به‌طورکلی ارائه این بسته توسعه‌ای بیان‌کننده این مهم است که سیاست اروپا در قبال ایران نه‌تنها مستقل از سیاست‌های این روزهای آمریکا در قبال آن است، بلکه در جهت عکس آن گام برمی‌دارد.

۲. حمایت از توسعه اقتصادی و اجتماعی و ثبات داخلی ایران برخلاف آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن: همان‌طورکه پیش از این عنوان شد، اساس سیاست توسعه‌ای اتحادیه اروپا حمایت از توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای درحال‌توسعه و به یک معنا ثبات‌بخشی به آن کشورهاست. ارائه بسته توسعه‌ای اتحادیه اروپا به ایران نیز در راستای همین اهداف انجام می‌شود که این اقدام کاملا عکس سیاست‌های فعلی دولت آمریکا در قبال ایران است. دولت ترامپ در ائتلاف با اسرائیل و متحدان عربی منطقه‌ای خود با سیاست اعمال فشار حداکثری اقتصادی درصدد ایجاد آشوب و شورش‌های داخلی با هدف تغییر رژیم در ایران است، بدون آنکه به عواقب امنیتی آن برای منطقه و اروپا بیندیشد.

ادامه در صفحه ۱۵